یادداشت

تغییر معادلات در خاورمیانه

مصیب نعیمی*

ساده‌ترین روش برای بررسی اوضاع و تحولات پیرامون، ارزیابی وقایع روزمره است که عمدتاً متاثر از حوادث و رویدادها است و در این حالت وضعیت روانی تبلیغاتی و نگرانی‌های ناشی از آن نقش اول را ایفا می‌کنند. نگرانی‌هایی که طرف مقابل سعی دارد بر افکار عمومی و حتی کارشناسان ناظر تحمیل کند. این وضعیت در روند خاورمیانه از بدو پیدایش رژیم اشغالگر اسرائیل مشهود بوده و احیاناً توانسته است نقش‌آفرین صحنه عمل باشد. ایجاد رژیم اسرائیل به‌عنوان قدرت شکست‌ناپذیر در عرصه خاورمیانه و برخورداری این رژیم از حمایت بین‌المللی در اعمال خشونت و افراط در به‌کارگیری سلاح‌های ویران‌گر با هدف ایجاد رعب و وحشت از جمله وقایع ۵۷ سال اخیر در بحران فلسطین به‌شمار می‌رود. در دهه ۱۹۶۰ میلادی که مقاومت فلسطین به‌صورت منظم شکل گرفت با همین ابزار مواجه شد. دو جنگ عمده اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ نیز قبل از اینکه در بعد نظامی با شکست مواجه شود از نظر روانی درهم شکسته شد. دهه ۱۹۸۰ میلادی را می‌توان مرحله عقب‌گرد جهان عرب از صحنه مبارزه و آغاز پیشروی توسعه‌طلبانه رژیم اسرائیل نام نهاد که در آن طرح اشغال لبنان و اخراج فدائیان فلسطین به اجرا درآمد و اسرائیل توانست با پیشروی و اشغال بیروت با وساطت فیلیپ حبیب نماینده آمریکا نیروهای فلسطین را به کشورهای عربی دوردست بفرستد. اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ اگرچه موفقیت اولیه اسرائیل را به همراه داشت اما خود عامل پیدایش نیروهای مقاومت در لبنان شد که پایه‌گذاری حزب‌الله نیز در همین تاریخ و با همین بهانه است. حزب‌الله به‌رغم تشابه تشکیلاتی با مجموعه‌های هم‌عرض در صحنه مبارزه با اشغالگران صهیونیست در لبنان که تعداد آنان اعم از فلسطینی و لبنانی به ده‌ها گروه می‌رسید در استراتژی و تاکتیک روش‌های نوین ابداع کرد که عنصر ایمان و دفاع از سرزمین پررنگ‌تر از بقیه عناصر بود. شناسایی نقاط ضعف دشمن و ایجاد نقاط قوت در خود با دقت و عنایت خاص در تشکیلات حزب‌الله مد نظر قرار گرفت. عمده‌ترین نقطه ضعف رژیم صهیونیستی عدم وابستگی به سرزمین است چرا که کلیه صهیونیست‌ها مهاجرینی هستند که با وعده زندگی مرفه به فلسطین کشانده شده‌اند، که شعار ملت بدون سرزمین برای سرزمین بدون ملت نیز با همین هدف ترویج شده بود. حزب‌الله طی ۱۸ سال مبارزه سخت و طاقت‌فرسا این نظریه را به حقیقت تبدیل کرد که تنها برخورداری از توان نظامی نمی‌تواند در نتیجه تعیین‌کننده باشد. صحت این نگاه در سال ۲۰۰۳ با اخراج نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان واقعیت عینی یافت ولی هرگز به معنای پایان بحران نبود. رژیم صهیونیستی اسرائیل که گسترش مبارزه اعتقادی و ملی در فلسطین را الگوی حزب‌الله می‌دانست طراحی خود را برای تغییر معادله جدید آغاز کرد. لذا رویدادهای جاری صحنه لبنان هرگز در جهت آزادی سربازان اسیر اسرائیلی نبوده بلکه بسیار فراتر از این رویداد است. رژیم اسرائیل با کشاندن جنگی خونین به تمامی سرزمین لبنان قصد دارد رعب و وحشت یکجانبه را در سراسر منطقه به‌عنوان معادله جدید جایگزین کند. اما در مقابل شرایط لازم برای اعمال را ندارد. زیرا از یک طرف حزب الله استراتژی عقیدتی و پایداری خود را با تمام عناصر لازم برای یک جنگ طولانی در اختیار دارد و از طرف دیگر رژیم صهیونیستی در تنگنای معادله رعب دوجانبه گرفتار است و نمی‌تواند عنصر پایداری را در میان میلیون‌ها مهاجر غیربومی ایجاد کند. به‌ویژه اینکه ناامنی در شمال فلسطین به منزله ناامنی در سراسر سرزمین‌های اشغالی است. هر آینه که تراکم شهرهای صهیونیست‌نشین و مراکز صنعتی و توریستی اسرائیل در این محدوده قرار دارد برای اولین‌بار با خطر جدی مواجه شده است. گفتنی است از ۲۰ هزار کیلومتر مربع سرزمین تحت اشغال اسرائیل ۱۳ هزار کیلومتر آن صحرای خشک نقب و باتلاق‌های بحرالمیت است و تنها تمرکز جمعیت در هفت هزار کیلومتر باقی‌مانده است که عمدتاً در شمال فلسطین واقع شده است. فرافکنی و سعی در توسعه تشنج به خارج از مرزهای شمالی فلسطین با لبنان نیز نمی‌تواند بن‌بست فعلی را بگشاید بلکه تنها راه‌حل احتمالی اعتراف به‌وجود و قدرت بازدارنده حزب‌الله است که پرداخت این هزینه برای رژیم صهیونیستی اسرائیل اگرچه سنگین اما انکارناپذیر است.

* سردبیر الوفاق

صلح آرزوی فراموش‌شده لبنان

درباره این صفحه

این صفحه از این پس هفته‌ای یک‌بار در مورد تحولات سیاسی و اجتماعی از نگاه نخبگان منتشر خواهد شد تا خوانندگان گرامی با مجموعه‌ای از دیدگاه‌های کارشناسان پیرامون یک موضوع مواجه شوند.

شرق آن لاین: سرزمین لبنان ۱۱۴۵۰ کیلومترمربع است، با جمعیتی حدود ۴ میلیون شیعه و ۱/۵ میلیون مهاجر فلسطینی. این سرزمین کوچک از زمان اعلام موجودیت اسرائیل در سال‌های پایانی دهه چهل میلادی تا به امروز در معرض تحولات گوناگون مرتبط با تحولات اسرائیل و دیگر نیروهای منطقه‌ای بوده است. کشور لبنان طی پنج جنگ اعراب و اسرائیل تلفات سنگینی متحمل شد. فراگیرترین جنگ علیه لبنان جنگ ۱۹۸۲ بود که اسرائیل با به راه انداختن آن، سازمان آزادیبخش فلسطین را به مدت ۷۰ روز در محاصره شدید و بمباران کلیه مراکز آموزشی و ستادی ساف قرار داد و بالاخره موفق شد با مذاکرات زنجیره‌ای فیلیپ حبیب نماینده شورای امنیت سازمان ملل متحد، ساف و شخص یاسر عرفات را از بیروت اخراج کند. از آن پس نیروهای چندملیتی وارد لبنان شدند و مدیریت این کشور را به عهده گرفتند. ولادت حزب‌الله از رحم جنبش امل که به وسیله امام موسی صدر در آغاز دهه هفتاد میلادی قرن پیش تاسیس شد صورت گرفت. این حزب تشکیلات شبه‌نظامی خود را تاسیس کرد و دفاع از سرزمین لبنان و خروج نیروهای چندملیتی و آزادسازی جنوب این کشور را از اشغال اسرائیل در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. از آن پس نام حزب‌الله با کلیه تحولات سیاسی و نظامی و بلکه منطقه‌ای لبنان گره خورد. تشکیلات نظامی حزب‌الله طی چند سال عملیات فرسایشی طولانی موفق شد ضربات سنگینی بر پیکر ارتش اسرائیل وارد کند. این تلاش حزب‌الله در ماه مه ۲۰۰۰ میلادی ثمره خود را به بار داد و ارتش اسرائیل به صورت یک‌جانبه از خاک لبنان (به استثنای کشتزارهای شبعا) عقب‌نشینی کرد. حزب‌الله پس از این رویداد مهم تاریخی بازوی سیاسی خود را فعال کرد و به بدنه اجتماعی لبنان منتقل کرد، اما شبه‌نظامیان خود را برای مقابله با هرگونه حملات اسرائیل در حالت آماده باش قرار داد. حزب‌الله لبنان در چند دوره انتخابات پارلمانی و شهرداری‌های لبنان شرکت کرد و موفق شد تعداد فراوانی کرسی‌های این دو نهاد سیاسی و اجتماعی را به دست آورد. با ترور رفیق حریری نخست‌وزیر پیشین لبنان در سال ۲۰۰۵ و شکل‌گیری جنبش ضد سوریه در لبنان، حزب‌الله نقش ماهرانه خود را آشکار و بدون دخالت در جزئیات کشمکش‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی خود را تحکیم کرد. حزب‌الله لبنان طی چند عملیات گسترده علیه اسرائیل موفق شد چند سرباز اسرائیلی را به اسارت بگیرد و آنها را با صدها اسیر لبنانی و فلسطینی مبادله کند. در آخرین عملیات در نیمه دوم ماه تیر با حمله به یک قرارگاه ارتش اسرائیل تعداد ۸ سرباز اسرائیلی را به قتل رساند و ۲ تن از آنان را به اسارت خود گرفت. ارتش اسرائیل که پس از ربوده شدن یک سرباز اسرائیلی دو هفته پیش از عملیات حزب‌الله، در نوار غزه با شوک شدید مواجه شد، این بار نتوانست صبوری به خرج دهد و از این رو جنگ دامنه‌داری را علیه لبنان آغاز کرد. بهانه اسرائیل ربوده شدن دو سرباز اسرائیلی به وسیله حزب‌الله بود، اما حجم واکنش اسرائیل نشان از این دارد که مسئله دو سرباز خود را بهانه قرار داده تا به‌طور کامل حزب‌الله لبنان را از صحنه معادلات قوا حذف کند. تلفات مردمی لبنان در اثر این عملیات گسترده اسرائیل تاکنون بیش از ۷۰ کشته بوده است. بمباران نیروگاه‌ها، باند فرودگاه بین‌المللی بیروت، پل‌ها، شاهراه دمشق- بیروت و دیگر تاسیسات زیربنایی لبنان از پیامدهای این حملات اسرائیل بوده است. روز جمعه ۲۳ تیرماه سیدحسن نصرالله طی یک پیام تلویزیونی که مستقیماً از شبکه المنار و دیگر شبکه‌های ماهواره‌ای عرب‌زبان پخش می‌شد به اسرائیل هشدار داد که حزب‌الله از این پس واکنش خود را در عمق خاک اسرائیل نشان خواهد داد. روزنامه شرق که از لحظات نخستین عملیات اسرائیل علیه لبنان، خبرها و گزارش‌های آن را پوشش داد، تصمیم گرفت حجم انبوه مطالب و تحلیل و یادداشت و مصاحبه‌های مربوط به تحولات لبنان را در یک صفحه منتشر کرده و دیدگاه‌های گوناگون کارشناسان را بازتاب دهد. آنچه امروز در این صفحه شاهد آن خواهید بود، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های روزنامه شرق با کارشناسان گوناگون است.

ابطحی: اسرائیل خود را با دنیا تطبیق نمی‌دهد

شرق آن لاین: محمدعلی ابطحی که چندسالی تجربه حضور در لبنان را در دفترچه خاطرات خود یادداشت کرده است، در رابطه با وضعیت فعلی این کشور و حمله اسرائیلی‌ها می‌گوید: «اتفاقات اخیر را نمی‌توان در مقطع کوتاهی بررسی کرد، بلکه ریشه‌های عمیقی دارد. اسرائیل هیچ‌گاه خود را با تغییرات حاکم بر دنیا هماهنگ نکرده است و روش‌های ۴۰ ساله گذشته خود را همواره به کار می‌برد.» این عضو مجمع روحانیون مبارز، یکی از تشکل‌های حامی اصلاح‌طلبی در ایران در گفت‌وگو با خبرنگار شرق آن لاین معتقد است که به دلیل حضور قدرتمند لابی صهیونیست در آمریکا آرامش و فرصت ریشه‌یابی این حوادث در دنیا به وجود نمی‌آید. ابطحی فضای خاورمیانه و لبنان و فلسطین را رادیکال دانست و اعلام کرد که پیش‌بینی او این است که تغییر جدی و آرامش خاصی در خاورمیانه به وجود نمی‌آید. او نقش ایران را در آرام کردن این فضا غیرممکن دانست و علت خود را از بیان این مسئله اینچنین توضیح داد: از این‌رو که ایران با قدرت اصلی منطقه یعنی آمریکا و از نظر عملیاتی اسرائیل ارتباطی ندارد و فقط ارتباطی یک‌سویه با جریان مقاومت دارد نمی‌تواند فضا را آرام کند. البته در تند کردن فضا و دفاع از مجموعه‌های مقاومتی در لبنان و فلسطین می‌تواند نقش کلیدی ایفا کند. معاون رئیس جمهوری پیشین ایران به این تحلیل ایمان دارد که کشورهای قدرتمند جهان و به ویژه آمریکا و برخی از اروپائیان می‌خواهند پای ایران و سوریه را وارد این قضیه کنند که برخی اظهارنظرهای رادیکال در ایران این خوراک را برای آنان آماده کند. وی در پایان به ایران توصیه می‌کند به دلیل اینکه افکار عمومی لبنان به دنبال بازسازی و عمران لبنان است، نقش پررنگ در این قضیه ایفا نکند، زیرا لبنانی‌ها ممکن است فکر کنند ایران به آنان به عنوان ابزار می‌نگرد و لذا دید لبنانی‌ها به ایران آسیب می‌بیند. بنابراین ایران باید سعی کند وارد این مسئله نشود.

دبیرکل موتلفه: تنها پاسخ اسرائیل گلوله است

شرق آن لاین: محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب موتلفه که به دلیل ارتباط گسترده با حزب‌الله لبنان هرازچندگاهی جلسات مشترک با این تشکل برگزار می‌کنند، درخصوص حوادث جدید در لبنان در گفت‌وگو با خبرنگار شرق آن لاین این حوادث را مسئله تازه‌ای ندانست و علت حمله و هجمه جدید اسرائیل به لبنان را بهانه‌ای به دلیل مشکلات داخلی اسرائیل در درون سرزمین تحت سلطه خود عنوان کرد. وی در تشریح این مشکلات گفت: «۱- اکنون مهاجرت یهودیان به اسرائیل نسبت به گذشته کاهش یافته است. ۲- سرمایه‌گذاری در داخل اسرائیل با مشکلات بسیار مهمی روبه‌رو است، زیرا سرمایه‌گذار به دنبال فضای امن می‌گردد. ۳- صنعت توریسم در اسرائیل به دلیل نبود امنیت کامل با موانع جدی روبه‌رو است. به هر حال از ابتدای شروع انتفاضه اسرائیل با مشکلات جدی روبه‌رو شده است و لذا به دنبال بهانه‌ای می‌گردد تا مشکلات داخلی خود را با ایجاد حادثه‌ای در خارج از مرزهایش توجیه کند. این اتفاق و حملات اسرائیل به غزه و جنوب لبنان یک عکس‌العمل در قبال مشکلات داخلی است.» او به اسارت درآوردن دو سرباز اسرائیلی توسط حزب‌الله لبنان را عادی دانست و گفت: در درگیری مرزی این اتفاق افتاده که در هر درگیری طبیعی است. این نحوه برخورد توسط اسرائیلی‌ها طراحی و از قبل برنامه‌ریزی شده است. لذا ما معتقدیم که اسرائیل همچنان یک غده سرطانی در خاورمیانه است. حبیبی پاسخ به اسرائیل را از راه قطعنامه‌های سازمان ملل و مذاکرات سیاسی بی‌فایده دانست، البته گفت: من منکر این راه‌ها نیستم، اما تنها راه مقابله با اسرائیل مقاومت مردم فلسطین است. تنها پاسخ به اسرائیل گلوله است. او خطر اسرائیل را فقط منحصر به فلسطین و لبنان به شمار نیاورد، بلکه این خطر را برای تمام کشورهای جهان اسلام متصور شد و از ایران و کشورهای اسلامی خواست که تمام توان خود را در جهت توقف تجاوزات اسرائیل و تقویت جریان مقاومت در فلسطین و لبنان به کار برند. دبیرکل موتلفه در پایان گفت: ایران به هیچ‌وجه از هواداران خود در کشورهای دیگر همچون لبنان و فلسطین توقع رفتار نظامی ندارد.

دو همسایه دوست و دشمن

ابوذر معتمدی: تا هفته گذشته اگر با یک پرواز هوایی وارد لبنان می‌شدید، فرودگاه بین‌المللی بیروت (شهید حریری) به‌عنوان یکی از نمادهای توسعه و بازسازی مجدد لبنان به شما خوشامد می‌گفت، فرودگاهی که در مدت زمان بسیار کوتاهی با تکنولوژی روز و امکانات وسیع به وجود آمد و نقش مهمی به‌عنوان پل ارتباطی لبنان با دنیا ایفا می‌کند. لبنان را از یک سو آب فراگرفته، از دیگر سو اسرائیل و از سمت دیگر سوریه. پس از خارج شدن از فرودگاه هم شاید اولین توجه‌تان به سمت بزرگراه اصلی و ساحلی لبنان جلب می‌شد که از بیروت به طرف سوریه نیز کشیده شده است و شاهرگ حیاتی لبنان محسوب می‌شود، تنها راه زمینی که به یک کشور متخاصم ختم نمی‌شود. هنوز پس از سال‌ها جنگ داخلی و پس از توسعه و ساخت و بازسازی زیربنایی کشور، کمبود برق به چشم می‌آید و قطع شدن آن در ساعاتی از روز برای بسیاری از مناطق عادی است. این مشکلات برای کشوری که سال‌های زیاد جنگ داخلی و خارجی را توأمان متحمل شده و در حال حاضر به سرعت به سمت بازسازی پیش می‌رود، عادی به نظر می‌رسید. اما امروز پس از یک هفته فضا تغییر کرده. پس از دستگیری و اسارت دو سرباز اسرائیلی در یک پست مرزی و کشته شدن ۷ سرباز اسرائیلی دیگر، فضای جنگی به لبنان و البته جنوب لبنان بازگشته. فضای چندقطبی، قومیتی در لبنان عوارضی متفاوت با دیگر کشورها در نتایج معادلات سیاسی به همراه داشته است. همراهی و پشتیبانی فرانسه و اکثر کشورهای اروپایی از قومیت مسیحی لبنان ایشان را از تمکن و امکانات بیشتری برخوردار ساخته و رونق اقتصادی در بخش مسیحی‌نشین به علت مالیات‌های کمتر و گردش مالی بیشتر قابل توجه است. البته در این فضای تخاصم منطقه مسیحی‌نشین از درصد ثبات بیشتری برخوردار است. در این یک هفته و به بهانه اسارت این دو تن، اسرائیل حملات سختی را به تاسیسات زیربنایی لبنان مستقر در جنوب بیروت و لبنان آغاز کرده، بزرگراه اصلی و فرودگاه بین‌المللی به‌عنوان دو نماد بازسازی در چندین حمله مورد تهاجم قرار گرفته، راه‌های ارتباطی در بعضی مناطق قطع و فرودگاه بیروت چندین روز است که تعطیل است. اکثر کشورهای عربی به خارج کردن اتباع خویش از لبنان مشغول هستند و عربستان که بیشترین تبعه و بیشترین سرمایه‌گذاری را در این چند سال در لبنان داشته از طریق فرودگاه دمشق به خروج اتباع خویش مشغول است. این شوک جدید به جامعه لبنان مدت زمان کوتاهی پس از خروج سوریه از لبنان و مسائل به وجود آمده بعدی است که به تشکیل قطب‌های جدید سیاسی منجر شد. پس از خروج سوریه و وقوع ترورهای هدفمند که به حذف تعدادی از سیاسیون تاثیرگذار از جمله رفیق حریری نخست‌وزیر اسبق منجر شد، دو طیف جدید مخالف سوریه و موافقان سوریه در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند. مخالفان سوریه را مسئول این ترورها می‌دانستند و خواستار حضور نیروهای خارجی در بررسی پرونده بدون حضور مسئولان قضایی لبنان بودند، اما طرفداران سوریه با عنوان اینکه این پرونده باید در خود لبنان رسیدگی و دنبال شود اما می‌توان پس از تشکیل و پیگیری در سیستم قضایی لبنان از گروه‌های حقیقت‌یاب خارجی هم کمک گرفت، نقش سوریه را در این ترورها منتفی دانسته و به شرایط پیچیده‌تری از جمله حضور اسرائیل نسبت می‌دادند. بحران آن زمان جدی شد که طیف موافقان از جمله امل و حزب‌الله وزرای خود را از کابینه بیرون کشیدند. در آن زمان شرایط به حدی وخیم شد که امکان شروع مجدد جنگ‌های داخلی قوت گرفت. در راس مخالفان سوریه سعد حریری فرزند رفیق حریری قرار داشت. این تنش با تاکید طرفین بر گفت‌وگو و ارائه راه‌حل مسالمت‌آمیز فروکش کرد. لبنان براساس یک سنت قدیمی سیاسی، از طایفه‌ها برای تقسیم قدرت بهره گرفته است. ریاست‌جمهوری با مسیحیان، نخست‌وزیری با سنیان و ریاست مجلس با شیعیان است. حزب امل که اولین گروه شیعه متشکل شده به همت امام موسی صدر و دکتر مصطفی چمران محسوب می‌شود از دیرباز ریاست مجلس را برعهده دارد، حزب‌الله نیز با حضور ملموس سیاسی در این چند سال توانسته با چند نماینده در مجلس و حضور در کابینه همپای امل در معادلات سیاسی برسد. شخصیت کاریزمای سیدحسن نصرالله و تلاش نتیجه‌بخش حزب‌الله در بیرون راندن اشغالگران از جنوب لبنان باعث افزایش محبوبیت این حزب در جامعه لبنان شده است. قدرت نظامی این گروه همواره یکی از مسائلی بود که جامعه جهانی طرفدار اسرائیل و گروه‌های مخالف داخلی را به واکنش انداخته، به حدی که خواهان خلع سلاح این گروه هستند و در قطعنامه معروف خروج سوریه از لبنان نیز این کشور را مقید به چنین عملی کرده‌اند. که به علت محبوبیت حزب‌الله در لبنان و منطقه و نیروی سیاسی قوی و همبستگی بین گروه‌های شیعی این مسئله تا به حال متحقق نشده است. از هفته گذشته و پس از درگیری مستقیم حماس و اسرائیل به علت اسارت یک سرباز اسرائیلی توسط طرفداران مردمی حماس جنگ میان اسرائیل و حماس نمود عینی پیدا کرد و سپس با اسارت دو تن دیگر توسط حزب‌الله این درگیری به خارج از مرزهای فلسطین کشیده شد. اما سوریه ضلع دیگر مقابله با اسرائیل هنوز به این ماجرا وارد نشده است. سال‌ها پیش یکی از مسئولان اسرائیل، سوریه را تهدید کرده بود که دمشق در تیررس مستقیم سلاح‌های اسرائیلی از بلندی‌های جولان قرار دارد، فاصله کمی که دمشق را محتاط کرده و رفتن به سوی راه‌حل‌های دیپلماتیک را ناگزیر. فضای سیاسی لبنان در این چند روز دستخوش تغییراتی شده است. ولید جنبلاط رهبر دروزی‌ها که بیش از این یکی مخالفان سرسخت حزب‌الله در گروه‌های مخالف سوریه قلمداد می‌شد، با عنوان اینکه در قبال این تهاجم باید موضع واحد گرفت از حزب‌الله پشتیبانی کرده است. امل که ریاست مجلس را برعهده دارد با عنوان این مسئله که اگر اسرائیل قدم به درون خاک لبنان بگذارد ما با همبستگی مقابله خواهیم کرد مواضع حزب‌الله را تائید کرده است. رئیس‌جمهور در ابتدای امر با محکوم‌کردن حمله اسرائیل برخلاف طایفه مارونی که حزب‌الله را در این مسئله مقصر قلمداد کرده‌اند از این گروه حمایت کرده دولت با گرفتن موضع بی‌طرفی نسبت به حزب‌الله و البته درخواست از جامعه بین‌المللی برای حل سیاسی بحران در حقیقت از موضع مخالفت گذشته خویش پایین آمده. رهبر مخالفان سعد حریری که در روزهای قبل برای هماهنگی و رایزنی به دیدار مبارک رفته هنوز در قبال حرکت حزب‌الله واکنشی نشان نداده و سکوت اختیار کرده است. این درگیری‌ها در لبنان و مسائل به‌وجود آمده پس از اسارت دو اسرائیلی با تمام خسارت‌های مالی و جانی که به همراه داشته، فضای معادلات یک‌سویه خاورمیانه را بر هم زده و تا به الان به نفع طرفداران سوریه در لبنان سنگین‌تر شده است. اما آنچه که باعث شد در این شرایط و در زمان روی کار آمدن دولت چپ‌گرای حامی صلح در فلسطین اشغالی حزب‌الله دست به چنین عملی بزند زمان مشخص خواهد کرد. به اسارت گرفتن سرباز اسرائیلی در غزه از توجیهات مفهوم‌تری برخوردار است. به صحنه آمدن حزب‌الله در این فضا و شرایط تحلیل‌های متفاوتی را در برداشته از ابراز حضور نظامی در منطقه و ایجاد مزاحمت برای اهداف آمریکا و اسرائیل تا طرفداری و همراهی با دیگر دولت‌های خاورمیانه که در مقطع حساس دیپلماتیک هسته‌ای قرار دارند و یا افزایش قدرت داخلی و نشان دادن توانایی در این عرصه و یا جمع این فرضیات؛ گذشت زمان علل وقوع این حادثه را روشن خواهد کرد.

اسرائیل کابوس منطقه خاورمیانه

عادل عون*: بعد از به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی در جنوب لبنان جهان زیر و رو شد. گویی که همه جهان در اسارت کیان اشغالگری است که پاسخگویی به جنایت‌های او عملی غیرمجاز است. کشتار و آوارگی، برای همه و بدون در نظر گرفتن تابعیت افراد، نامطلوب است. در اینجا این سئوال مکرراً پیش می‌آید که چرا جهان به تماشای جنایات صهیونیست‌ها علیه بی‌گناهان در دهه‌های گذشته و به ویژه روزهای گذشته ساکت ایستاده است. در حالی که اسرائیل در لبنان و فلسطین تر و خشک را با هم می‌سوزاند و موشک‌های منع شده آنان بر سر جوانان و کودکان و زنان فرود می‌آید، هیچ وجدان بیداری از مدعیان حقوق بشر تکان نمی‌خورد و ما می‌پرسیم چرا انسان عربی و مسلمان حق ندارد حقوق خود را مطالبه کند. حقوقی که در معاهدات بین‌المللی نوشته شده است؟ و چرا انسان و مسلمان و عرب نمی‌تواند سرزمین خود را از تجاوز اشغالگران آزاد کند؟ دشمن چگونه می‌تواند سلاح‌های ویرانگر خود را علیه مردم بی‌پناه به کار گیرد در حالی که هیچ کس جرات اعتراض نداشته باشد. در آن سوی قضیه به اسارت بردن ۲ اسیر متجاوز گناهی نابخشودنی، بلکه ماجراجویی به شمار می‌رود. آنچه که در لبنان و قبل از آن در فلسطین رخ می‌دهد نیاز به بررسی و تحقیق بیشتری ندارد حتی برای آنان که شمار قربانیان بی‌گناه را در طول ۶۰ سال فراموش کرده‌اند قربانیانی که از شمارش هم گذشته‌اند. آلت قتل و مساعدت و تشویش افکار عمومی همیشه آمریکایی بوده است و کمک از طرف آمریکا و اروپا صورت می‌پذیرد. در فرهنگ آمریکایی ارزش هزاران هزار انسان عرب و مسلمان به اندازه پلک زدن چشم یک صهیونیست نیست. پاسخ نظامی اسرائیل در برابر موفقیت مجاهدان مقاومت اسلامی در به اسارت گرفتن ۲ اسیر اسرائیلی برای آزادسازی اسرای لبنانی، بهانه‌ای بیش نیست. هدف اکنون و عملی آن، وجود نیروی مقاومت و نقش موثر آن در سیاست‌های لبنان و کشورهای عربی به صورت عام و فلسطین به صورت خاص است. پس هدف از بین بردن نیروی مقاومت اسلامی و عملی کردن قطعنامه ۱۵۵۹ یعنی برخورد با گروه مقاومت به عنوان نیروهای شبه‌نظامی است که باید خلع سلاح شوند و از مرزها دور شوند و ارتش لبنان ماموریت حفظ و حمایت مرزها را برعهده گیرد. پس هدف، آمریکایی و اسرائیلی به صورت مشترک است و جنگی است آمریکایی و اسرائیلی و آنچه هدف است از بین بردن مقاومت است. زیرا مقاومت نمونه موفقیت و توانایی برای تحقق هدف‌ها است و هیچ کس فراموش نکند نه موشکباران وحشی اسرائیل در طول سرزمین‌های لبنانی و عرض آن از جنوب بیروت تا بقاء و شمال آن و نه محاصره زمینی و دریایی و هوایی و نه چراغ سبز آمریکایی می‌توانند حقیقت را تغییر دهند. تاکید می‌کنیم که آنچه به نام اسرائیل است به عنوان کابوس منطقه خاورمیانه است و بقای آن خواهان خون‌های بیشتری است. این جنگ را دشمن صهیونیستی تحمیل کرد ولی توانایی پایداری و ایستادگی وجود دارد و مقاومت مواجهه‌ای با دشمن می‌کند که همیشه از آن توقع داشتیم.

*رئیس دفتر جنبش امل در تهران

نگاه

بازیگران منطقه چه می‌خواهند

ترجمه، پدرام الوندی: شعله‌ور شدن آتش جنگ در مرزهای اسرائیل و لبنان به روشنی یادآور این است که هیچ یک از بحران‌های منحصر به فرد خاورمیانه را نمی‌توان از حوادث مشابه آن مجزا کرد. ایجاد چنین مسائلی، جدای از یافتن راه‌حل برای آن، بسیار مشکل‌تر از مدیریت آنها است. در حالی که بسیاری از معماران سنتی قدرت در منطقه از عراق تا لبنان و سرزمین‌های فلسطینی تخریب و تضعیف شده‌اند، چالش‌های ناشی از بحران در منطقه بسیار ترساننده هستند. امروز گفت‌وگو میان گروه‌های مختلف نادر و کمیاب است. موفقیت در موضوعات کلیدی نظیر ثبات در عراق، نبرد با القاعده و جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای شاید وابسته به بخش‌های نه‌چندان کوچکی نظیر توقف بحران حزب‌الله- اسرائیل از چرخه غیرقابل کنترل فعلی باشد. با صرف‌نظر کردن از نقش سنتی ایالات متحده به عنوان واسط طرف‌های درگیر، دولت بوش توانایی خود را در این یافته که سرپوشی بر شکست‌هایش در منطقه قرار دهد. نگاهی سریع به خواسته‌های بازیگران متفاوت رویداد جدید بر موقعیت دشوار هر صلحی که باید ایجاد شود، تاکید دارد:

■ **حزب‌الله**: با گشودن دومین جبهه پیش روی اسرائیل، حزب‌الله حمایت خود از فلسطینی‌های غزه را نشان داد. فلسطینی‌ها برای دو هفته به دلیل دستگیر کردن یک سرجوخه اسرائیلی تحت محاصره بودند. دولت‌های میانه‌روی عرب نظیر مصر و اردن نشان دادند که توان حل مخمصه‌ای را که فلسطینیان در آن گرفتار بودند، ندارند و حزب‌الله شاید برای کمک به حامیانش به نمایندگی از تمام منطقه در برابر اسرائیل و آمریکا ایستاد. این جنبش در سال ۲۰۰۰ از یک موقعیت قهرمانانه پان‌عربی بهره برد و آن زمانی بود که اسرائیل لبنان را تخلیه کرد و حزب‌الله به عنوان تنها نیروی نظامی عربی تا آن زمان که توانست اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی کند مطرح شد. از این رو حزب‌الله الگو و نمونه‌ای شد برای برخی گروه‌های رادیکال فلسطینی نظیر حماس که نه‌تنها به دنبال هنر حزب‌الله در ترکیب کارهای خیریه، فعالیت‌های سیاسی و نظامی است بلکه به دنبال قاعده کلی حزب‌الله در استفاده از خشونت برای گرفتن امتیاز از اسرائیل هستند. در حقیقت نظامیان حماس که سرجوخه گیلعادشلیط را دستگیر کردند شاید این امیدواری را داشته باشند که همچون حزب‌الله با استفاده از زور برای آزادی یک اسرائیلی تعداد زیادی از زندانیان خود را آزاد کنند. اما حزب‌الله یک برنامه عمل داخلی هم دارد و آن از دست ندادن نیروی نظامی اختصاصی‌اش است که قدرت فوق‌العاده‌ای به آنها در لبنان می‌دهد. در هر حال از زمانی که فشارهای بین‌المللی به دنبال ترور نخست‌وزیر سابق لبنان رفیق حریری، سوریه را مجبور به ترک خاک لبنان کرد حزب‌الله از سوی سایر احزاب لبنانی تحت فشار و تقاضای مصرانه قرار گرفت تا سلاح را بر زمین گذارد و خود را به سیاست‌ورزی دموکراتیک محدود کند، مسئله‌ای که از سوی شورای امنیت سازمان ملل نیز بر آن پافشاری می‌شود اما دولت لبنان ضعیف‌تر از آن است که این درخواست را عملی سازد.

■ **سوریه**: خارج شدن سوریه از لبنان خلاء قدرتی را ایجاد کرد که به حزب‌الله آزادی عمل بیشتری داد. پیش از سال ۲۰۰۰، سوریه که فاقد توانایی نظامی برای رویارویی مستقیم با اسرائیل بود به جنگ‌های مبارزان حزب‌الله در جنوب لبنان به‌عنوان اهرم کلیدی برای رسیدن به خواسته‌هایش در مورد خروج اسرائیل از بلندی‌های جولان می‌نگریست. سوریه سلاح‌هایی را برای خط مقدم حزب‌الله در مرزهای اسرائیل می‌فرستاد و از این طریق یک سپر حفاظتی مقابل خود ایجاد کرد و مبارزانش در دره بکا ورزیده شدند. اما آن نوع از رابطه برای حزب‌الله هم سازنده و هم بازدارنده بود. زیرا فشارها و امتیازهای اسرائیل و آمریکا به سوریه می‌توانست سبب برانگیختن سوریه برای متوقف کردن مبارزان حزب‌الله شود. تخلیه لبنان از سوی سوریه شاید نفوذ مستقیم این کشور بر روی حزب‌الله را کاهش داده باشد و دمشق در حالی که از نظر دیپلماتیک اعتباری نزد واشینگتن ندارد توان کمتری نیز در بازداشتن حزب‌الله دارد.

■ **ایران**: ایران از زمان شکل‌گیری حزب‌الله در سال ۱۹۸۲ رابطه نزدیکی با این سازمان دارد. در نتیجه هجوم ایالات متحده به عراق دشمن سنتی ایران، صدام حسین از قدرت خارج شد و یک دولت ائتلافی شیعی با عناصری نزدیک به ایران در آنجا تفوق یافت و سبب افزایش قابل توجه قدرت منطقه‌ای ایران شد. با توجه به نفوذ قابل توجه ایران بر روی گروه‌های اصلی شیعی عراق، بدون حمایت این کشور بیم لغزیدن عراق به درون یک جنگ داخلی وجود دارد. آسیب‌پذیری ایالات متحده در عراق و همچنین توانایی حزب‌الله در دشوار کردن وضعیت مرزهای شمالی اسرائیل، رهبران ایران را ترغیب می‌کند تا در مذاکرات هسته‌ای با غرب سخت‌گیرانه رفتار کنند. افزایش دامنه قدرت ایران انگیزه واشینگتن را برای یک معامله بزرگ با ایران افزایش می‌دهد که سبب تثبیت روابط طرفین بر پایه توجه به تقاضای تهران برای عادی شدن وضعیت دیپلماتیک و دادن تضمین‌های امنیتی به ایران باشد به شرط آنکه ایران به نگرانی‌های غربی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران و حمایتش از گروه‌هایی نظیر حماس و حزب‌الله به نحوی مناسب پاسخ دهد. (البته واشینگتن در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد ایران مبنی بر گفت‌وگو درباره تبدیل حزب‌الله به یک سازمان صرفاً سیاسی را رد کرده است.) با توجه به اقدام ایالات متحده و دوستان اروپایی‌اش بازگرداندن پرونده ایران به شورای امنیت به دلیل ناراحتی از تاخیر ایران در پاسخ به بسته مشوق‌ها، ایران می‌تواند از درگیر شدن اسرائیل و لبنان برای تغییر توجه جامعه جهانی استفاده کند و یا سریع‌تر حزب‌الله را به توقف جنگ وادار کند.

■ **اسرائیل**: رویدادهای غز